

پیروز باد رزم پرافتخار خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهدای انقلابی در دهه شهدای فاجعه ملی

بقیه از صفحه اول
هموطنان مبارز و آزادی‌خواه!
نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی
کشور!
خانواده‌های داقدار شهدای
انقلابی و خانواده‌های رنج‌دیده
زندانیان سیاسی میهن!

رژیم جمهوری اسلامی ایران
از اواخر تیرماه ۱۳۶۷ شروع به
قتل‌عام زندانیان سیاسی انقلابی
نمود و در هر چند ماه هزاران نفر
از انسان‌های پاک و شریف را به
جوخه‌های اعدام سپرد. کشتار
وسیع زندانیان بی‌دفاع یک فاجعه
ملی بود که ملت ما را هزاران ساخت
و بشریت مترقی را در بخت و
نگرانی فرو برد.

کانون حمایت از زندانیان
سیاسی ایران (داخل کشور) به
پاس احترام به شهدای دلاور خلق و
زندانیان سیاسی تهران و
گرامی‌داشت خاطره تابناک
شهدای جنبش انقلابی به ویژه
شهدای فاجعه ملی، از تاریخ ۵ آلتی
۱۵ شهریور را به عنوان دهه
شهدای فاجعه ملی ۱۳۶۷ شهدای
راه‌صلح، آزادی و استقلال تعیین
نمود و اعلام کرد که در روز جمعه
۱۵ شهریور مراسم ویژه
بزرگداشت سالگرد شهادت
شهدای فاجعه ملی بر سر مزار آن
هزیران، در محل دفن آن‌ها و با
حضور خانواده‌هایشان برگزار
می‌گردد و از این رو از کلیه
خانواده‌های داقدار شهدا و
خانواده‌های رنج‌دیده زندانیان
سیاسی و از کلیه انسان‌های شریف
و پاک در سراسر کشور و از همه
سازمان‌ها و نیروهای ترقی‌خواه
کشور دعوت نمود تا ضمن
برگزاری مراسم بزرگداشت ویژه
شهدای خود به منظور ابراز سپاس
و ارج بی‌پایان نسبت به شهیدان به
خون خفته خلق و برای احترام به
پیکار متحد انقلابیون اسیر در
سیاحت‌های رژیم، فعلا نه در
برپایی مراسم بزرگداشت شهدای
فاجعه ملی ۱۳۶۷ در دهه شهدای
راه‌صلح، آزادی و استقلال شرکت
جویند.

کانون حمایت از زندانیان
سیاسی ایران (داخل کشور) اعلام
نمود که "اقدامات متحد، هماهنگ
و متشکل همه ما می‌تواند و باید

مشت محکمی بر دهان جلاخان
باشد که به منظور انتقام از مردم
صلح‌دوست و آزادی‌خواه، سیل
خون را در زندان‌ها جاری ساختند
و بهترین و دلاورترین فرزندان
میهن را به وحشیانه‌ترین شکل
ممکن قتل‌عام کردند. این‌گونه
اقدامات در همین حال سبب
می‌گردد تا همه امکانات موجود
برای جلوگیری از کشتار زندانیان
سیاسی کشور بسیج گردد و به کار
افتد و در مسیر خود جفدشوم
اختناق و سرکوب را از جامعه
بیرون براند. ... مسئولیت
تاریخی، وظیفه انسانی،
بشردوستی و وجدان انقلابی
می‌طلبد که در این راه بشری و
حق‌طلبانه، فعلا نه و پرتوان، متحد
و متشکل شرکت جوئیم."

کانون حمایت از زندانیان
سیاسی ایران (داخل کشور) برای
تدارک برگزاری این مراسم در
داخل کشور فعالیت گسترده‌ای را
آغاز نمود و در میان خانواده‌های
زندانیان سیاسی و شهدای تهران
در داخل کشور در این رابطه به
تبلیغات وسیع دست زد. ضمن آن
برای ارتباط با برخی از سازمان‌ها و
کمیته‌های خارج از کشور که برای
دفاع از جان زندانیان سیاسی
تشکیل یافته‌اند اقدام نمود و
توانست همیاری آنان را نیز به
دست آورد.

از تاریخ ۵ شهریور و با آغاز دهه
شهدای فاجعه ملی، حرکت قطعی
آغاز شد. خانواده‌های داقدار
شهدای مبارز، مراسم بزرگداشت
شهدای تهران خود را برگزار
می‌کردند که بسیاری از آنان با
اقدامات سرکوب‌گرانه مزدوران
رژیم روبرو گشتند. اما این
اقدامات ددمنشانه تنها نتوانست
هزم این خانواده‌ها را برای
برگزاری مراسم ویژه دهه شهدای
راه‌صلح و آزادی و استقلال سست
نماید، بلکه آنان را در این امر
راسترخ نمود. در روز ۱۵ شهریور
خانواده‌های داقدار شهدای مبارز،
از صبح زود به محل دفن هزیران از
دست رفته خود رفتند تا مراسم
بزرگداشت خاطره آن شهیدان
تهران را برگزار کنند. رژیم
ضد خلقی و آدم‌کش جمهوری
اسلامی که از این حرکت اعتراضی
و متحد خانواده‌ها به وحشت افتاده

بود، به قصد سرکوب این حرکت به
تمام گورستان‌های کشور و محل
دفن شهیدان تهران سیاسی،
مزدوران مسلح خود را گسیل
داشت. در تهران مشخصا به محل
دفن شهدای تهران در
بهشت زهرا و خاتون‌آباد خاوران
حمله شد. در بهشت زهرا تعداد
بسیار زیادی از کودکان تا پیرمرد
و پیرزن که در قطعات معینی
جمع شده بودند، دستگیر شدند و به
منظور بازجویی روانه زندان‌ها
گردیدند. در خاتون‌آباد خاوران
نیز پس از آن‌که تعدادی از
خانواده‌های داقدار را که از صبح
زود به آنجا رفته بودند دستگیر
نمودند، درب ورودی گورستان
خاتون‌آباد را بستند و سپس در سه
قطعه معین در مسیر تهران -
خاتون‌آباد، دسته‌های مسلح ۵۰
نفری از کمیته‌ها را مستقر ساختند
که به کنترل وسایل نقلیه و بازرسی
بدنی "افراد مشکوک" اقدام
می‌نمودند و همچنین مانع عبور

خانواده‌های هزاداران آن مسیر به
خاتون‌آباد می‌شدند. تعداد زیادی
از خانواده‌های داقدار را به منظور
ایجاد رعب و وحشت دستگیر و به
زندان اوین فرستادند، و همزمان
با این امر با اعلام آماده‌باش به
نیروهای مزدور خود به دستگیری
"افراد مشکوک" در تهران اقدام
کردند. در شهرستان‌ها و به ویژه
در شیراز، اصفهان، تبریز، رشت،
همدان، مشهد، اهواز، کرمانشاه،
مهاباد، سقز، سنندج و اراک نیز
همال مزدور رژیم به مراسم‌های
مختلف هجوم برده به دستگیری
بسیاری از افراد متعلق به
خانواده‌های داقدار اقدام کرده و
در جهت سرکوب این حرکت
اعتراضی خانواده‌ها تلاش نمودند.
اما این حرکت اعتراضی
آزادی‌خواهان، تاثیر شکوهمند
خود را در جامعه به جا گذاشت و
تاریخی شد.

خانواده‌های داقدار شهدای
مبارز!
خانواده‌های رنج‌دیده
زندانیان سیاسی!
هموطنان مبارز و آزادی‌خواه!
سازمان‌های و نیروهای مترقی
و آزادی‌خواه ایران!

حرکت خانواده‌های داقدار

شهدای انقلابی در برگزاری مراسم
ویژه شهدای فاجعه ملی - شهدای
راه‌صلح، آزادی و استقلال -
بی‌گمان جدی‌ترین و مستقل‌ترین
و مردمی‌ترین و برنامه‌ریزی-
شده‌ترین حرکت اعتراضی
نیروهای آزادی‌خواه ایران بر علیه
ظلم و استبداد دژ خمیان حاکم
بوده است. حرکتی که در شرایط
حکمرانی دهشت و خفقان از داخل
کشور و به یاری و همت
خانواده‌های مبارز زندانیان
سیاسی و شهدای تهران در
سراسر کشور و با همیاری اکثریت
نیروها و سازمان‌های سیاسی و
اجتماعی ترقی‌خواه در خارج
کشور سازمان داده شد. این
حرکت اعتراضی، موثر، مثبت،
ارزشمند و امیدوارکننده بود. این
یک حرکت تاریخی و نقطه عطفی
در مبارزات آزادی‌خواهانه مردم
تهران ایران به شمار می‌آید. باید
با در سگیری از این اقدام شجاعانه
برای تدارک اقدامات اعتراضی
گسترده‌تر و موثرتر در آینده سود
جست و در این جهت تبلیغات
گسترده و سازماندهی جدی انجام
داد. باید برای برگزاری دیگر
مراسم بزرگداشت خاطره شهدای
تهران خود بویژه تا ۱۵ شهریور
و همچنین در جهت آزادی بدون
قید و شرط خانواده‌های دستگیر
شده، فعالیت خود را تشدید نمود.
باید نشان داد که ما قصد ترک
میدان مبارزه را نداریم.

اقدامات ددمنشانه رژیم هزم
مردم دلاور ما را برای تحقق
خواست‌های اساسی خود راسخ‌تر
نموده و مبارزه خانواده‌های
داقدار و هزیز از دست داده و
خانواده‌های رنج‌دیده زندانیان
سیاسی را برای تامین آزادی و
عدالت در جامعه تشدید نموده
است. باید به پا خاست و در برابر
دیلری و استادگی سلحشوران
زندانی تهران، در برابر پایمردی
و جانفشانی شهدای به خون خفته
خلق و در برابر پیکارگری
خانواده‌های مبارز آنان سر تعظیم
در جهت تحقق و تامین آزادی در
جامعه و قلبه بر دیکتاتوری و
اختناق در جامعه بسیج نمود. این
مبارزه‌ای است مقدس و بدون شک
موفق و پیروزمند.

جاودان باد خاطره تابناک
شهدای تهران!
پیروز باد رزم پرافتخار
زندانیان سیاسی ایران!
پر شکوه‌تر باد مراسم
بزرگداشت شهدای صلح، آزادی و
استقلال در دهه شهدای فاجعه ملی
(۱۵ تا ۱۵ شهریور)!

کانون حمایت از زندانیان سیاسی
ایران (داخل کشور)
۱۱ شهریور ۶۸

سازمان عفو بین الملل :

۷۵ درصد از کل اعدام‌ها در ایران رخ داده است

شهریور ماه سال گذشته بود را شامل نمی‌شود. گزارش مزبور روز ۲۵ سپتامبر منتشر شد. در گزارش سازمان عفو بین الملل علاوه بر جمهوری اسلامی کشورهای عراق به‌خاطر اعدام صدها تن، چین به‌خاطر اعدام ۲۴۴ نفر، آفریقای جنوبی به‌خاطر اعدام ۳۷ نفر، ایالات متحده آمریکا به‌خاطر اعدام ۱۳ نفر و اتحاد شوروی به‌خاطر اعدام یک نفر مورد نکوهش قرار گرفته‌اند در این اطلاعیه ذکر شده است که ۳۷ نفر از اعدام‌شدگان در چین هواداران جنبش دموکراسی در این کشور بوده‌اند. در مورد ایالات متحده سازمان عفو بین الملل بویژه حکم اخیر دادگاه عالی این کشور که اعدام کودکان و بیماران روانی را نیز مجاز می‌شمارد محکوم کرد. بنا به گفته عفو بین الملل امسال مجازات اعدام در کشور کامبوج لغو شد. در ایتالیا، ایرلند و سوئیس نیز جنبش‌هایی در جهت لغو حکم اعدام وجود دارد. سازمان مذکور در کشورهای جامائیکا، مجارستان و آنگولا نیز در این راستا نشانه‌های امیدبخشی مشاهده می‌کند.

بقیه از صفحه اول
است که جمهوری اسلامی قریب ۱۲۰۰ نفر را اعدام کرده است که در میان آن‌ها صدها نفر مخالفین سیاسی بوده‌اند. این دوره، زمان قتل عام زندانیان سیاسی که اوج آن



دیگر هرگز هباد

بیگیر در زمینه صلح و با کسب اعتماد و حمایت نیروهای جهانی خواهان صلح می‌توان بر زیاده‌خواهی و خوی تجاوزگرانه رژیم عراق قلبه کرد. رژیم عراق خود نیز درمانده و تحت فشار و آماج حمله مردم خویش است.

بقیه از صفحه اول
رفسنجانی نیز هفته گذشته اعلام کرده بود که اگر عراق از خاک ایران عقب‌نشینی نکند، حکومت اسلامی از تجدید جنگ روی‌گردان نیست.
در این میان دبیرکل سازمان ملل اظهار داشت که وی از سخنان رفسنجانی دایر بر اینکه ایران ممکن است برای اخراج عراق به تجدید جنگ پردازد نگران نیست. وی گفت: آرایش نیروهای نظامی دو کشور در خطوط مرزی به‌شیوه‌ای نیست که نشانی از احتمال تجدید جنگ در آینده نزدیک داشته باشد.
احتمال تجدید جنگ در آینده نزدیک در چشم‌انداز نیست. رژیم جمهوری اسلامی تا آخرین رمق و تا آن هنگام که ماشین جنگی‌اش تماما به گل نشست، به جنگ ادامه داد. اما با وجود گذشت یک سال و چند ماه از آغاز آتش‌بس، رژیم همچنان از سفره زحمتکشان و ثروت‌های ملی می‌دزدد و به "تقویت جبهه حق" و اولویت‌های جنگی و اقتصاد جنگی‌اش ادامه می‌دهد. جنگ همچنان بر زندگی مردم سایه افکنده است. به‌اعتقاد ما با پیشبرد یک سیاست واقعی و

سفر نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل به تهران و بغداد

مواضع نیروهای صلح سازمان ملل نیز دیدن کرد. "گلدینگ" در دیدار ماه گذشته خود از منطقه، از ایران و عراق خواست که برای تقویت حفظ آتش‌بس، شکیبایی و مدارا پیشه کنند و یک کمیسیون نظامی مشترک تشکیل دهند که به نیروهای ناظر سازمان ملل در انجام وظیفه یاری‌رساند. تشکیل این کمیسیون به دلیل اختلاف نظر مسئولین دو کشور پیرامون محل تشکیل جلسات آن و طرز کارش انجام نگردید.

مایل به برقراری صلح هستند و به آن نیاز دارند. دبیرکل اظهار امیدواری کرد که بتواند در اجلاس جدید مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با وزیران خارجه ایران و عراق بطور جداگانه بحث و گفتگو کند. روز دوشنبه هفته گذشته "گلدینگ" معاون دبیرکل سازمان ملل متحد، بعد از پایان دیدار رسمی خود از بغداد رهسپار تهران شد. وی در بغداد ضمن گفتگو پیرامون مسائل مربوط به حفظ آتش‌بس با مقامات عراق از

داشت قصد دارد دوباره "الیاتسون" را به منطقه رهسپار کند تا امکانات برگزاری دور جدید مذاکرات صلح ایران و عراق را فراهم سازد. "پرز دو کوئیار" افزود: "الیاتسون" آنقدر به پایتخت‌های دو کشور رنت و آمد خواهد کرد تا راهی برای از سرگیری مذاکرات صلح بیابد و به این منظور لازم است که وی از مواضع ایران و عراق به‌خوبی آگاه شود. نامبرده ادامه داد که وی به پیامدهای این سفر خوش‌بین است، زیرا هر دو کشور

"ایان الیاتسون" نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد تا آن هفته دیگر سفر مجدد خود را به تهران و بغداد آغاز خواهد کرد. به دنبال شکست تلاش‌های اخیر دبیرکل سازمان ملل متحد پیرامون برگزاری دور جدید مذاکرات صلح ایران و عراق که در جریان کنفرانس کشورهای عضو "جنبش غیرمتعهدها" دنبال می‌گردید، خاویر "پرز دو کوئیار" روز سه‌شنبه هفته گذشته اظهار

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

سفر وزیر اقتصاد و دارایی به آمریکا

"محسن نوربخش" وزیر تازه منصوب شده اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی جهت شرکت در اجلاس سالانه "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" به آمریکا سفر نمود. وزیر اقتصاد و دارایی حکومت را در این سفر چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی همراهی می کنند.

گفته می شود شرکت وزیر اقتصاد و دارایی حکومت اسلامی به همراه چند تن از نمایندگان مجلس در اجلاس سالانه "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" بخاطر گرفتن وام از این "صندوق" و "بانک جهانی" صورت گرفته است. به دنبال بحث های جنجال برانگیز طی یک سال اخیر پیرامون استقرار خارجی و گرفتن وام از "صندوق بین المللی" و "بانک جهانی" که در محافل سیاسی کشور مطرح شده بود، بعد به نظر نمی رسد که سرمداران حکومت اسلامی به قصد رهایی از وضعیت فلاکت بار موجود اقدام به گرفتن وام از دو نهاد ذکر شده نمایند. "بانک جهانی" و "صندوق بین المللی پول" با سرمایه کشورهای بزرگ امپریالیستی بنیانگذاری شده و تاکنون از طریق دادن وام بابعدهای سنگین به کشورهای فقیر و در حال توسعه جهان و تحمیل شرایط خود به آنها یکی از عوامل اصلی فقر و سیه روزی و فلاکت اقتصادی و اجتماعی این کشورها بوده است.

انتصابات جدید حکومتی

در پی تغییرات و تحولات سیاسی اخیر، انتصابات و برگراری های جدیدی در طی هفته گذشته صورت گرفت.

رفسنجانی در حکم روز دوشنبه خودمصطفی میرسلیم سرپرست پیشین دفتر ریاست جمهوری را بعنوان مشاور امور تحقیقاتی، علیرضا معیری معاون اسبق نخست وزیر را به سمت مشاور در امور بین المللی، مهدی مجابری را به سمت مشاور اجتماعی، گودرز افتخار جهرمی را به سمت مشاور حقوقی، ابوطالب دارچیان را در پست مشاور اقتصادی، دکتر مجید عباس پور را بعنوان مشاور امور فنی، ابولفضل توسلی بیانا بعنوان مشاور بازرگانی و اصناف و مولوی اسحاق مدنی را در سمت مشاور ویژه رئیس جمهوری در امور مسلمانان سنی منصوب کرد.

افزایش میزان ارسال سوخت و هدیه به خارج از کشور

مدیرعامل شرکت پست جمهوری اسلامی اعلام کرد که میزان ارسال سوخت و هدیه به خارج از کشور از سقف ۵۰۰ تومان به ۲ هزار تومان و ورود کالا به کشور تا ۳ هزار تومان افزایش یافته است. ضمناً گفته شد که ارتباط پست تصویری ایران (فاکسی مایل) با اقصی نقاط جهان برقرار می باشد.

دیدار معاون اول وزیر امور خارجه فرانسه از تهران

به دنبال دیدار هفت ماه پیش "رولان دوماس" وزیر امور خارجه فرانسه از تهران و گفتگوی وی با مقامات ایرانی پیرامون هادی سازی مناسبات میان دو کشور، روزیکشنبه هفته گذشته "فرانسواشر" معاون اول وزارت خارجه فرانسه وارد تهران شد و با ولایتی وزیر امور خارجه حکومت اسلامی دیدار و گفتگو کرد.

در دیدار ولایتی و "شر" طرفین پیرامون اختلافات مالی فیما بین و توسعه روابط دو کشور و اوضاع لبنان و بحران گروگان های قریبی در این کشور به بحث و گفتگو پرداخته اند.

اختلافات مالی ایران و فرانسه بر سر وام یک میلیارد دلاری ایران به شرکت "میرویس" می باشد که تاکنون این مبلغ از جانب مقامات این شرکت به ایران پرداخت نشده است. گفته می شود در بحث و گفتگوهای اخیر بین ولایتی و معاون اول وزارت خارجه فرانسه در این زمینه توافق هایی صورت گرفته است ولی از میزان و چگونگی پرداخت بدهی شرکت فرانسوی به ایران اطلاعاتی انتشار نیافته است.

سفر "شر" از تهران و دیدار و گفتگوهای وی با مقامات ایرانی دو روز به طول انجامید. معاون اول وزارت خارجه فرانسه در پایان دیدار خود ابراز امیدواری کرد که روابط ایران و فرانسه با شتاب بیشتری رو به بهبود گذارد. وی اظهار داشت هر اندازه آرامش بیشتری در منطقه برقرار شود، امکانات بیشتری برای گسترش روابط فرانسه و ایران بوجود خواهد آمد. نامبرده همچنین افزود که علیرغم دیدار اخیر روابط دو کشور هنوز در سطح رضایت بخشی قرار ندارد. "شر" در زمینه اختلافات دو کشور اظهار داشت: دلیلی برای اختلاف نظر بین دو کشور وجود ندارد و باید هر چه زودتر اختلافات را حل کرد.

جلوگیری از ورود وزرای دولت مجارستان به تهران

به دنبال از سرگیری مناسبات دیپلماتیک میان دولت مجارستان و دولت اسرائیل که از هفته گذشته بعد از ۲۲ سال قطع رابطه سیاسی انجام گرفت، حکومت اسلامی بعنوان اعتراض به این امر، سفر دو وزیر مجارستان را به تهران لغو کرد.

روز پنجشنبه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ضمن احضار سفیر مجارستان در تهران، یادداشت مربوط به لغو این دو دیدار را به وی تسلیم نمود.

قرار بود روز جمعه وزیر صنایع مجارستان و اوایل ماه آینده میلادی وزیر خارجه مجارستان به تهران سفر کنند.

مقامات وزارت خارجه حکومت اسلامی در توجیه این اقدام خود اعلام کردند که تجدید روابط دیپلماتیک بین مجارستان و اسرائیل از دیدگاه دولت ایران به معنای تایید و تشویق اعمال خضوت آمیز علیه فلسطینی ها می باشد.

دیدار وزیر امور خارجه سوریه از تهران

فارق الشرع وزیر امور خارجه سوریه روز دوشنبه هفته گذشته در راس یک هیات بلند پایه سیاسی اقتصادی وارد تهران شد.

در دیدار وزیر خارجه سوریه با ولایتی پیرامون تحکیم روابط دو جانبه، بحران لبنان، مسایل منطقه و سفر قریب الوقوع حافظ اسد رئیس جمهور سوریه به تهران، بحث و گفتگو صورت گرفت.

روز سه شنبه نیز، "فارق الشرع" بارفسنجانی دیدار کرد و پیرامون مناسبات دو کشور، اوضاع لبنان و مسایل افغانستان با وی گفتگو کرد.

در دیدار روز سه شنبه رفسنجانی و وزیر خارجه سوریه، وزیران بازرگانی و اقتصاد دو کشور نیز حضور داشتند و پیرامون مناسبات اقتصادی و بازرگانی دو کشور طرفین به تبادل نظر پرداختند.

گفته می شود سوریه بابت خرید نفت ارزان قیمت از حکومت اسلامی مبلغی در حدود ۴ میلیارد دلار به ایران بدهکار می باشد که فعلا قادر به پرداخت این مبلغ نیست.

در پایان دیدار وزیر خارجه سوریه از تهران بیانه های بطور همزمان در دو کشور انتشار یافت. در این بیانه ضمن حمایت از برقراری آتش بس در بیروت، و رژیم بر ادامه مبارزه با رژیم اسرائیل تاکید کردند.

لازم به تاکید است که پنجشنبه نیز سران برخی از گروه ها و سازمان های لبنانی جهت انجام دیدار و گفتگو با مقامات ایرانی وارد تهران شدند و مورد استقبال حسین شیخ الاسلام معاون وزارت خارجه در امور آفریقا و کشورهای عرب قرار گرفتند.

تاکنون حضور احمد جبرئیل فرمانده سازمان آزادی فلسطین (فرماندهی کل)، شیخ صبحی طفیلی یکی از سرکردگان حزب الله، ابو موسی فرمانده گروه انشعابی از "الفتح"، شیخ سعید شعبان رهبر گروه توحیدی اعلام شده است. همچنین قرار است "نبیه بری" فرمانده "جنبش امل" لبنان و ولید جنبلاط تا چند روز دیگر به تهران بیایند.

عدم مخالفت

آمریکا با سیستم حکومتی ایران

به دنبال انتشار طومار از ۱۸۶ تن از اعضا مجلس نمایندگان آمریکا که طی آن از دولت واشنگتن خواستار شدند علنا برای سرنگونی حکومت اسلامی اقدام کند و هم پیمانان خود را جهت تحریم اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی زیر فشار قرار دهد، معاون وزیر خارجه آمریکا اعلام داشت که دولت آمریکا هیچ گونه مخالفتی با سیستم حکومتی اسلامی ندارد و بیانه اخیر برخی از اعضا مجلس نمایندگان را نمی پذیرد.

"جان کلی" معاون وزارت خارجه آمریکا در جلسه تحقیقاتی مجلس نمایندگان از جمله گفت: ما با سیستم جمهوری اسلامی مخالفتی نداریم و باید مناسبات دو کشور بر اساس احترام متقابل استوار شود. نامبرده همچنین افزود که وزارت خارجه به طومار امضا شده توسط برخی از اعضا مجلس نمایندگان پاسخ گفته است.

در خیابان "انقلاب"

صبح زود از میدان انقلاب به سمت دانشگاه در حرکتیم. در پیاده‌روها و حاشیه دو خیابان اصلی انقلاب و کارگر موج جمعیت به هر طرف روان است. سربازان وظیفه، عبور و مرور را کنترل می‌کنند. شاید اگر این کنترل وجود نداشت، تمام سطح خیابان را سیل ماشین و جمعیت فرا می‌گرفت. آن‌ها که در انتظار تاکسی هستند، یادیدن هر تاکسی با دست به جهت مستقیم اشاره می‌کنند. با این حال به ندرت موفق به گرفتن تاکسی می‌شوند. مردم در صف مینی‌بوس انقلاب - امام حسین، دوپشته ایستاده‌اند، دستفروش‌ها تندوتند، مشغول پهن کردن بساط خود در پیاده‌رو و پیروی دانشگاه هستند. همه چیز می‌فروشد؛ شلوار جین، استکان، هینک دودی، آب خنک، آب زرشک و ... از چهره‌های مردم قم می‌بارد. رنگ‌ها پریده است و چهره‌ها گرفته، دشواری‌ها و مشکلات را از چین و چروک بسیاری از صورت‌ها می‌توان خواند، چهره‌ها از بیدار خوابی انسان‌هایی حکایت می‌کنند که شب را با کابوس‌های تهدیدهای صاحبخانه، اجاره‌های عقب افتاده، چک‌های بی‌محل، مشاجرات خانوادگی و ... به سر برده‌اند. و اگر تک‌توکی از چهره‌هایی که هنوز شور و شوق و امید کار و تلاش در آن‌ها است دید نمی‌شد، شجر چه تمگین و چه گرفته نمی‌بود. از کنار اتوبوسی می‌گذرم که تا خرخره اش مسافر فروداده است، و راننده گویی از همین حالا دستمالش را آماده نگهداشته تا برای تخفیف گرمای ۴۲ درجه بعد از ظهر به کارش بگیرد.

باز هم صف، صف روزنامه‌های صبحگاهی. این همه روزنامه‌خوان؟ آن‌هم روزنامه‌های صبح مثل جمهوری اسلامی و ... کمی جلوتر، موضوع برایم روشن می‌شود. صف خرید روزنامه نیست. صف خرید کافز روزنامه‌هاست. کافز باطله، کیلویی ۶۰ تومان، هر ۶۰ عدد روزنامه یک کیلو می‌شود. بی دلیل نیست که مقامات جمهوری اسلامی دائم جار می‌زنند که در ایران مشکل بیکاری نداریم

و این حرف‌ها تبلیغات ضدانقلاب است! این هم یک نمونه‌اش. اصلا هر روز یک کار و کاسبی جدید برای مردم درست می‌شود! مثلا اگر یک کارمند معمولی دولت ۵ ساعت در صف خرید و بعد فروش روزنامه‌های باطله بایستد، کلی زندگی‌اش روبه‌راه می‌شود! ناشکر نباید بود، اگر مطالب روزنامه‌ها ارزش چندانی ندارد، به جای کافز باطله‌های این روزنامه‌ها که مفید واقع می‌شوند! از برابر دانشگاه تهران می‌گذرم. همه چیزش با روزهای انقلاب فرق می‌کند. اما نه! یک چیزش همانست که بود. چادر وحدت هنوز در برابر سردرد دانشگاه برپا است. حال اگر اسمش را مردم گذاشته‌اند "چادر وحشت" شاید قابل عرض نباشد!

بر سردرد دانشگاه، بر کرباسی سفید رنگ با خط درشت نوشته‌اند: "دانشگاه و دانشجویان باید متحول شوند" وزیرش با خط کمی ریزتر نوشته‌اند "امام خمینی". از حق نباید گذشت، خمینی به این گفته‌اش تا آخر عمر پای بند ماند. مثلا همین انقلاب فرهنگی مگر تحول در دانشگاه و دانشجویان به وجود نیامد؟ بعد از انقلاب فرهنگی، انصافا، همه دانشجویان متحول شدند. بسیاری از آن‌ها به عنوان پناهنده در کشورهای خارج به سر می‌برند، برخی هنوز در زندان هستند و بخشی اعدام شده‌اند، عده‌ای نیز در جبهه‌های جنگ کشته شده‌اند و تعدادی هم به کارهای آزاد، از سیگار فروشی تا بساط فروشی و قیریه اشتغال دارند. از این تحول مگر بیشتر هم می‌شود؟! به "کارهای آزاد" اشاره کردم به یاد دو نمونه موفق از این جور کارها افتادم.

نمونه اول: دست‌اندرکاران چاپ دفتر چه‌های کنکور که همراه "محافظان مخصوص" در قرنطینه به سر می‌برند، "کاملا به طور تصادفی" از بیرون از محل قرنطینه سر در آوردند و در یک روز از فروش دفترچه‌های کنکور ۴۰ میلیون تومان به جیب زدند. دفترچه کنکور به "قیمت آزاد" و در "بازار آزاد" به قیمت‌های سرسام آور به فروش می‌رسد.

میدان ونک از نظر جمعیت شبیه میدان انقلاب سال ۵۹ است و میدان انقلاب فعلی به شلوغی چهارراه سی‌متری آن موقع. چهارراه سی‌متری را هم به همین نسبت شلوغ تر تصور کنید.

از تحولات پس از جلوس "اکبر شاه" بگویم. گشت‌های مبارزه با منکرات دیگر آن مانورهای سابق را ندارند. بعضی خانم‌ها با جوراب نازک و تک‌توکی هم که جرات بیشتری دارند حتی بدون جوراب در خیابان‌ها دیده شده‌اند. در برنامه‌های رادیو و تلویزیون هم تحولاتی ایجاد شده. برادر اکبر شاه اجازه داده در رادیو و تلویزیون موسیقی جاز هم پخش شود. کم‌کم دارد شایع می‌شود که ممکن است بزودی در دریای خزر زن و شوهر با همدیگر شنا کنند. خلاصه اینطور که پیداست انگار اصلاحاتی در این زمینه‌ها دارد صورت می‌گیرد.

اما در زندان‌ها! وقتی لاجوردی خون آشام را سرپرست زندان‌ها کردند، همه چیز روشن شد. هنوز زندان‌ها همان زندان‌های مولناک جمهوری اسلامی است. همان زندان‌هایی که هر فاجعه‌ای در آن می‌تواند اتفاق بیفتد. حکومت رفسنجانی که به قصد هوام‌نریبی در چند مورد کشایش‌های ظاهری را به نمایش گذاشته، در مورد زندان‌ها هیچ کوتاه نیامده است.

.. از خیابان "انقلاب" شروع کردم و از کجاسر در آوردم! زیاد هم عجیب نیست، در خیابان انقلاب از هر چیزی نشانی هست. خیابان انقلاب آدم را به یاد همه چیز می‌اندازد.

نمونه دوم: یک مرتبه در شهر این خبر پیچید (البته زیرگوشی) که بدون رفتن به جلسه کنکور نقطه با ۵/۱ میلیون تومان! می‌توان در سال اول پزشکی دانشگاه تهران ثبت نام کرد. تنها باید کارت شرکت در امتحانات کنکور را دریافت کنی، بقیه‌اش به عهده مسئولین امر که در "اداره سنجش" مشغول کار و دست‌اندرکارند.

به تقاطع خیابان فلسطین رسیدم و هنوز تحت تاثیر مناظری هستم که در مقابل دانشگاه دیده بودم. بی دلیل هم نیست. دانشگاه در خیابان "انقلاب" از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حالا که رشته گزارشم از خیابان انقلاب گسسته شد ترجیح می‌دهم یکی دو تصویر از وضع کلی تهران فعلی به شما بدهم. مخصوصا به شما که مدتی است تهران را ندیده‌اید. در بزرگراه ولی‌عصر - چمران، وقتی اتومبیل‌ها سر چهارراه می‌ایستند، به یکباره گروهی به اتومبیل‌ها هجوم می‌آورند، چند نفری بی آنکه بپرسند، به پاک کردن شیشه‌های اتومبیل‌ها مشغول می‌شوند. عده‌ای موزه‌هایی را که در گرمای وحشتناک تابستان تهران شکل‌های چندش‌آوری گرفته‌اند و بعضی از آنها بیشتر به زغال‌های کج و معوج شبیه هستند تا موز، به سرنشینان اتومبیل‌ها برای فروش نشان می‌دهند. جوانکی هم با هجله در حالی که از دوسه نفری که به قصد گدایی اتومبیل‌ها را نشانه کرده‌اند سبقت می‌گیرد، لیست نوارهای ویدئو و کاست‌های موسیقی که جدیدا آمده به سرنشینان اتومبیل‌ها به سرعت ارائه می‌دهد ...

شکر جدید

وزارت اطلاعات برای کنترل جامعه

استخدام و همه‌نامه‌هایی که می‌نویسد از جمله تقاضای انتقال، اجاره‌خانه، هنگام نوشتن چک و سایر موارد مرتباً خود آن را قید کند. بسیاری از شاقین این نظر را داشتند که این کد توسط وزارت اطلاعات تعیین شده و برای جمع‌آوری اطلاعات و کنترل احاد جامعه مقرر شده است.

اخیرا در کارت‌های اشتغال کارکنان مراکز دولتی و خصوصی، کدهایی چاپ شده است که دارندگان آن با آن مشخص می‌شود. کارکنانی که از جایی به جای دیگر و یا از شرکتی به شرکت دیگر منتقل می‌شوند باید این کد را ذکر کنند. این کد را در شروع استخدام به متقاضی می‌دهند تا در نرم

یادی از یک شهید کمونیست

اخیرا نامه‌ای از طرف یکی از خوانندگان "اکثریت" به دست ما رسیده است که ضمن یادآوری سالگرد شهادت یکی از انقلابیون کمونیست ایران از ما خواسته است تا از آن انسان شریف و انقلابی که جان خود را در راه سعادت زحمتکشان از دست داد، یادی کنیم. این نامه به شرح زیر است:

به نشریه اکثریت:

"۲۶ سپتامبر (چهارم مهرماه) درست یک سال است که جنبش کارگری و کمونیستی ایران یکی از مبارزان واقعی خویش را در اثر انفجار راکت در شهر کابل افغانستان از دست داد.

نام هرب هلی جواهری برای شما نیز چندان ناآشنا نیست چرا که در "اکثریت" شماره ۱۵۳ در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۶۶ سرگذشت زندگی وی را به چاپ رسانیده‌اید. شهادت او در مهاجرت از یک سو پس از ۵/۶ سال دوری از خانواده و

از جهت دیگر به خاطر ممانعت سپاه پاسداران از برگزاری مراسم عزاداری توسط خانواده‌اش در ایران، آن چنان زخمی بر دل خانواده و بخصوص مادرش وارد کرده است که تا ابد فراموش‌شدنی نیست. گرمی داشت خاطره یک مبارز کمونیست که تمامی همش را وقف زحمتکشان و راه آنان کرده و وظیفه تک تک مبارزان راه طبقه کارگر است و به همین خاطر است که من بدینوسیله می‌خواهم از نشریه "اکثریت" درخواست کنم که به عنوان گرمی داشت شهادت این مبارز کمونیست، چند خطی در نشریه درج کند. با گرمی داشت شهید هرب هلی جواهری

نشریه اکثریت به عنوان گرمی داشت خاطره این مبارز کمونیست نامه‌ای را که او در سال ۶۵ برای خواهرش نوشته بود و شرح گویایی از شخصیت این انقلابی و فادار به مردم است همین‌اقل می‌کند. اطلاعات بیشتری از رفیق هرب هلی جواهری در دسترس نداریم؛ خود او در آغاز نامه‌اش نوشته است:

کمی از خودم

بگویم.

پدرم کارگر کارخانه پنبه است. خودم کارگر تراشکار درجه ۲ بودم. حالا ۲۲ سالمه. یکسال و خورده‌ای می‌شود که مجبور شده‌ام از دست لاشعورهای خمینی، به اینجا بیایم. خمینی اکثر خانواده و فامیل‌های دور و نزدیک ما را اسیر و آواره کرده است. پسرعموهایم، چند تا از دختر عمه‌هایم، چند تا از پسر عمه‌هایم و عده زیادی از افراد فامیلم، پسر و دختر خاله‌های مادرم همه در سیاهچال‌های خمینی به بند کشیده شده‌اند. دختر عمه‌ام که دانشجوی دانشگاه تهران بود، تیرباران شد. نزدیکترین رفیقم را در مازندران تیرباران کردند. پسرخاله مادرم زیر شکنجه دوخیمان اوین شهید شد. پسر عمه‌ام که خواهرش تیرباران شد از فرط شکنجه در زندان بویه گرگان استخوانهای پاهایش بیرون زده بود و خیلی‌های دیگر که من می‌شناختمشان همین روزگار را دارند و نصیب من هم در بدری و آوارگی شد. می‌دانم، افرادی مثل من در خارج از ایران کم نیستند. ماهیچکدامان دلمان برای خارج لک نژده بود، خمینی پلید ما را به این روزگار گرفتار ساخت. و مانده تنها مرکز خانواده‌هایمان را فراموش نمی‌کنیم، که یک لحظه هم از رنج بزرگ ملتمان در زیر ساطور خونچکان خمینی جلاد غافل نمی‌شویم.

در پایان، امیدوارم این نامه را که برای خواهرم نوشته‌ام، در نشریه‌تان چاپ بکنید.

...جان، خواهر عزیزم سلام!

خواهر جان، نوشته بودی "مامان و بابا وقتی از تو کم نامه دریافت می‌کنند، فکر می‌کنند که کم کم داری فراموششان می‌کنی."

باور کن، هنوز که ساعتها که از خواندن نامه‌ات می‌گذرد، گلویم از درد و بیض باد کرده است. آخر چگونه می‌توانم پدرم، مادرم و ترا فراموش کنم. خواهر عزیزم، آنچه بر من و همچون من گذشته است، فراموش شدنی نیست. باور کن، روزی نیست که آن تصاویر رنج‌آلوده و آن زندگی استخوانسوزمان را مرور نکنم. آن تصاویر

همه جا با منند. هنوز آن دردها و رنج‌های توی استخوانهایم تیر می‌کشند. احساس می‌کنم هنوز آن ضربات کمر بند سیاه و کلفت پدر بخاطر تکه نانی بر تنم شیار می‌اندازد. خواهر جان، چگونه فراموش خواهم کرد که مادرم با بخاطریک تاید رختشویی ۲ ریالی، زیر مشت و لگد پدر بیچاره‌مان لت و پار می‌شد. هنوز سنگینی آن حلقه‌های آبی را که از امامزاده ابراهیم برای ریختن توی بشکه روی دوشهای کود کانه‌ام حمل می‌کردم، از خاطرم نرفته است. هنوزم که هنوزم است، ستون فقراتم تیر می‌کشد. وقتی بخاطرم می‌خزد که چطور به درخت نارنج بسته می‌شدم و شلاقهای ستم سرمایه بوسیله پدرم جان ترد و کود کانه‌ام را کبود می‌کرد.

خواهر جان، تو هم حتما خوب بخاطر داری که ناپسامانی دردناک زندگیمان، بارها مادر عزیزمان را از ما جدا کرد و بخاطر داری که پدرمان چگونه جان می‌کند و آخر سر از زور خستگی توان فرسای عقده‌هایش را سو ما خالی می‌کرد. بخاطر داری که من و تو از ترس پدر توری اتافی که درش قفل می‌شد، تا صبح زهره ترک می‌شدیم.

خواهر مهربانم، چگونه می‌توانم فراموش کنم که مادرم بخاطر قرص نانی برای مابه پیش هر کس و ناکسی به گدایی می‌رفت. آن گرسنگی‌ها هنوز فراموش شده است. بعد از ظهرهای عرق‌سوز تابستان، از گرسنگی دلم مالش می‌رفت. اما جرات نمی‌کردم تکه نانی بخورم. مادر می‌گفت برای شب چیزی نمی‌ماند و پدرت دمار از روزگارت درمی‌آورد. هنوز آن فرهاد جانخراش، که از درد پاره آجری که پدر به پایم زده بود، توی گوشایم زنگ می‌اندازد. آن روز لنگ لنگان و با گریه‌ای در گلو خودم را به دکان بقالی محل رساندم، بیشتر از آن نای راه رفتن نداشتم. چند دقیقه نستم و همانجا از درد گریه کردم و بعد با درد و گریه خودم را به مدرسه رساندم، دیر شده بود. زنگ مدرسه رازده بودند و معلم درس می‌داد. خواهر جان، آن روز سرد استخوانسوز زمستان را چگونه می‌توانم فراموش کنم؛ از خانه‌مان تا مدرسه راه زیادی بود. لباس کافی تنم نبود.

توی راه از سرما یخ زده بودم و وسط خیابان مثل چوب خشک افتاده بودم روی زمین. عبور و مرور ماشینها که بند آمده بود، مردم و پلیس راهنمایی ریخته بودند سرم و بلندم کرده بودند.

خواهر عزیزم، چگونه آن شبها را که بخاطر دعای پدر و مادرمان توی کلانتری می‌خوابیدم فراموش خواهم کرد و آن روزها را توی راهروهای دادگستری.

خواهر رنج کشیده‌ام، من از وقتیکه خود را شناختم، درد را و رنج را با کوشش و پوست تنم دریافتم. و من و یاران من برای برانداختن این رنج‌ها و ستم‌ها که حاصل نظام پلید سرمایه‌داری است، بها خاسته‌ایم. بازگویی این خاطرات، این تصورات در ذهنست ایجادکننده که گویا من پدر را مقصر آن همه رنج‌هایمان می‌دانم. غرض از گفتن پاره‌ای از آنها، این بود که تو دریایی که آنچه بر ما گذشته است، همواره با جان و ذهنمان عجین است. تو خود شاهد بودی و هستی که چگونه پدر بیچاره‌مان زیر ستم سرمایه خورد و داغان می‌شد. من هر وقت بخاطر می‌آورم که چه زندگی شکست و سختی بر پدرمان گذشته، از درد و خشم جانم گر می‌گیرد. می‌دانم که تو خود خوب می‌دانی که جامعه سرمایه‌داری چه فلاکت‌ها و پلیدی‌هایی با خود دارد.

اما، خواهر عزیزم، تو نیز خوب می‌دانی که ستم این نظام پلید پایدار نخواهد بود. خمینی پلید، اگر بازم هزار هزار از ما را بر باید و بازم هزار هزار از ما را آواره کند، باز ماستمکشان که برای نابودی ستم نظام سرمایه برخاسته‌ایم، بسیاریم. آنروز که مردم، خمینی را با بساط ارتجاعی‌اش به کور خواهند سپرد، دور نیست.

خواهر عزیزم، تو به پدر و مادرم بگو، مطمئن باش که ما یک لحظه، در اینجا و در هر کجای دیگر، شما را و ملت رنج کشیده‌مان را فراموش نخواهیم کرد.

در پایان، روی تو را و دستان پیینه بسته و خسته پدرمان را می‌بوسم و جان رنجور و ستم‌کش مادرمان را گرم در آغوش می‌فشارم.

قربانت برادرت ...

آلمان فدرال :

همکاری اطلاعاتی با جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی که بیش از ده سال سایه شوم اختناق را بر پهنه میهن ما گسترده است، آوارگی چند میلیون ایرانی را در سراسر جهان باعث شده است .
بخش قابل توجهی از جمعیت چند میلیونی مهاجرین ایرانی، در پی آند روزی شرایطی در ایران مستقر شود که بار دیگر به میهن خویش بازگردند . بسیاری از این مهاجرین تنها به خاطر شرایط موجود در ایران ، علیرقم خواست قلبی خود در کشورهای غربی پناهنده شده اند . این ها واقعیات هیانی است که نمی تواند از نظر سیاست گزاران این کشورها پنهان بماند .
با این همه ، برخی از محافل مرتجع کشورهای غربی با چشم پوشی بر این واقعیات آشکار ،

با زیر پا گذاشتن قراردادهای بین المللی در مورد پناهندگان ، حتی جان آنان را در معرض خطر جدی قرار می دهند .
اخیرا در بخش هلم اشات آلمان غربی ، مسئولین اداره امور خارجی ها در مورد یکی از ایرانیانی که تقاضای پناهندگی اش مورد قبول واقع نشده است ، به اقدام خطرناکی دست زده اند ، آنها بدون اطلاع این هموطن ما ، طی نامه ای ، همه اطلاعاتی را که او با اعتماد به توانین بین المللی در اختیار مسئولین این ایالت قرار داده است ، هینا به کنسولگری جمهوری اسلامی در هامبورگ داده اند . آنچه در زیر ملاحظه می کنید کلیشه ترجمه همین نامه است .

این اقدامی خشن و خودسرانه است و در واقع تمامی موازین انسانی و حقوق بین المللی در مورد پناهندگان را زیر پا گذاشته است . از همه نیروهای انسان دوست و آزاده جهان می خواهیم هم صدا با ایرانیان آزاده در برابر فشار هلیه پناهندگان ایستادگی کنند .
حزب سبزهای آلمان غربی در یکی از گزارش های مطبوعاتی خود به این اقدام اعتراض کرده

است . در فتوان این گزارش قید شده است : "جان یک ایرانی از طرف مسئولین اداره خارجی های بخش هلم اشات در مخاطره است ."
کانون پناهندگان سیاسی شهر هانوفر آلمان غربی نیز در این رابطه اعلامیه ای صادر کرده است که در زیر بخش هایی از آن را می خوانید :

هشدار : خطر اخراج پناهندگان توسط دولت آلمان جدی است ایرانیان ، انسان های آزاده !

طبق سندی که اخیرا منتشر شده است دولت آلمان ضمن رد پناهندگی سیاسی ایرانیان که در این کشور بسر می برند اقدام به ارائه اطلاعاتی پیرامون وضعیت این پناهندگان به جمهوری اسلامی می نماید ، این امر امنیت جانی پناهندگان ایرانی و خانواده آنها در ایران را مورد خطر جدی قرار می دهد .

به دنبال ... مرگ خمینی و روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی ، در محافل سیاسی غرب چنین وانمود می شود که تحولات اخیر نشانه چرخش جمهوری اسلامی به سمت دموکراسی است رژیم جمهوری اسلامی وسعت کشتار مخالفین به خارج از مرزها نیز کشانده است . هنوز یک ماه از ترور دکتر قاسملو نگذشته بود که هوائل رژیم جمهوری اسلامی فلام کشاورز (از رهبران حزب کمونیست ایران و عضو هیات موسس فدراسیون شورای پناهندگان ایرانی) را در شهر لارناکای قبرس ترور کردند .

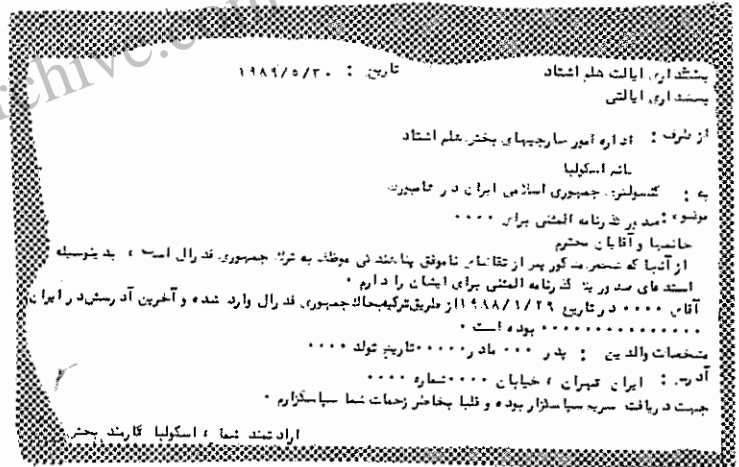
بر هیچکس پوشیده نیست که مبادله اطلاعات میان دولت آلمان و جمهوری اسلامی پیرامون وضعیت پناهندگان ایرانی امنیت جانی این پناهندگان را به شدت به خطر انداخته است و اخراج پناهندگان ایرانی بی تردید مصادف با اهدام آنهاست .

کانون پناهندگان سیاسی شهر هانوفر اقدامات دولت آلمان در یاری رساندن به جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می کند و از کلیه پناهندگان می خواهد که با اقدامات اخیر دولت آلمان که خلاف حداقل پرنسیپ های بین المللی حقوق بشر و کنوانسیون ژنو می باشد به مقابله برخیزند .

بدون شک نیروهای آزادیخواه از حمایت خواهند کرد . تنها اتحاد و یکپارچگی ما می تواند دولت آلمان را از ادامه این حرکات باز دارد .

کانون پناهندگان سیاسی شهر هانوفر

۸۹/۸/۳۵



جشنواره صلح در ژاپن

بقیه از صفحه آخر

می برند و گه گاه با خطر اخراج و تحویل به دولت ایران مواجهند . بعضی از آنها توسط اداره مهاجرت بازداشت شده در زندان به سر می برند . شرایط شغلی پناهندگان ایرانی که بدون بیمه و به صورت کارگران موقت با حقوق بسیار پائینی و با خطر دائمی اخراج در کارهای سخت به کار گرفته می شوند نیز مورد تشریح قرار گرفت .
در پایان سمپوزیوم به سئوالات متعدد شرکت کنندگان پاسخ داده شد .

حاکم ، مبارزات مردم ایران ، جنگ و صدمات و ویرانگری های بی حد آن و کشتار زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی دادند .
موضوعات با دقت توسط شرکت کنندگان در سمپوزیوم پی گیری و یادداشت برداری می شد . سپس در مورد ایرانیان متقیم ژاپن وضعیت پناهندگان ایرانی در این کشور ، و سیاست دولت ژاپن مطالبی به اطلاع حضار رسانده شد و توضیح داده شد که بسیاری از پناهندگان ایرانی در ژاپن در شرایطی دشوار به سر



از درس نامه سیاسی اقتصاد سیاسی
چاپ مسکو، ۱۹۸۹
نوشته هیات مولفین
به سرپرستی وادیم مدودف
عضو وابسته فرهنگستان علوم شوروی

خصوصیات اصلی انقلاب علمی - فنی

ماهیت انقلاب علمی فنی * نقش جدید علم * تضادهای انقلاب علمی فنی

معمولاً آغاز انقلاب علمی - فنی را به اواسط سالهای ۵۰ قرن بیستم نسبت می دهند. در این دوره، در علوم طبیعی یک سلسله کشفیات شالوده ای صورت گرفت و در تولید به کار بسته شد؛ دستیابی به انرژی اتمی، ایجاد اولین ماشین های حساب گر الکترونیک و ژنراتورهای کوانتمی، تولید یک رشته پلیمر و دیگر مواد مصنوعی، دستیابی انسان به فضا.

انقلاب علمی - فنی معاصر، پدیده ای بفرنج و چندین جانبه است. به طور مشروط می توان سه جزء به طور لاینفک هم پیوند را در آن تمیز داد.

اول انقلاب علمی - فنی باروند ژرف همگرایی علم و تولید مشخص می شود، آن هم همگرایی به گونه ای که تولید به تدریج، همان گونه که مارکس پیش بینی می کرد، به صورت کارگاه تکنولوژیک علم در می آید. جریان واحدی شکل می گیرد - از ایده علمی، از طریق طراحی علمی - فنی و نمونه های تجربی، به سوی تکنولوژی های جدید تولید انبوه. روند نوآوری و پیدایش نو و کاربست سریع آن در پراتیک، در همه جا جریان دارد. روند نو سازی هم دستگاه (اپارات) تولید و هم محصولات، به گونه ای بارز شدت می گیرد. تکنولوژی های جدید و محصولات جدید به تجسم امروزی ترین دست آوردهای علم و فن تبدیل می شوند. این همه، دگرگونی هایی را در ابعاد را در هوامل و منابع رشد اقتصادی و در ساختار اقتصاد و دینامیسم آن، موجب می شود.

وقتی از انقلاب علمی - فنی صحبت می شود، قبل از هر چیز همان روند همگرایی علم و تولید مورد نظر است. لیکن صحیح نخواهد بود اگر همه چیز را تنها در این نکته، که به نظر ما صرفاً اولین جزء متشکله انقلاب علمی - فنی معاصر است، خلاصه کنیم.

دوم، مفهوم "انقلاب علمی - فنی"، انقلاب در تربیت کادر و نیز انقلاب در کل سیستم آموزش را نیز در بر می گیرد. تکنیک و تکنولوژی جدید به کارکنانی جدید نیاز دارد - کارکنانی با فرهنگ تر و تحصیل کرده تر، کارکنانی که از انعطاف لازم برای دمساز شدن با تازگی های فنی برخوردار باشند، کارکنانی با انضباط بالا، و علاوه بر این، کارکنانی که به شگردهای کار کلکتیو که خصالت نهی سیستم های جدید فنی است، احاطه داشته باشند.

سوم، مهمترین جزء متشکله انقلاب علمی - فنی، انقلاب واقعی در سازمان تولید و کار، و در سیستم مدیریت است. تکنیک و تکنولوژی جدید، سازمان جدید تولید و کار را ایجاد می کند. آخر، سیستم های تکنولوژیک معاصر معمولاً بر زنجیره متقابل به هم

وابسته ای از تجهیزات سوار می شوند که کلکتیو بسیار نامتجانسی روی آن کار می کند و به آن سرویس می دهد. در این رابطه است که الزامات جدیدی در برابر سازمان دهی کار کلکتیو قرار می گیرد. از آنجا که روندهای پژوهش، تدوین، طراحی و تولید پیوندی تنگاتنگ داشته، درهم تنیده می شوند و متقابلاً در یکدیگر رسوخ می کنند، لذا مدیریت با این وظیفه بسیار بفرنج روبروست که تمامی این مراحل را در یک روند واحد به هم پیوند زند. در شرایط معاصر، بفرنجی تولید به مراتب افزایش می یابد و به فراخور آن، خود مدیریت، بر پایه ای علمی و بر زیربنای فنی نوین - در شکل تکنیک ارتباطی و سازمانی مبتنی بر شمارگرهای الکترونیک - استوار می گردد.

انقلاب علمی - فنی به معنای جهش در رشد و تکامل نیروهای مولده جامعه و گذار آن ها به وضعیت - کیفیتا نوین بر پایه تحولات ریشه ای در سیستم داده های علمی است.

تحت تاثیر موفقیت های پیشرفت علمی - فنی در این یا آن عرصه، و تحت تاثیر کشفیات و دست آوردهایی که در زمینه های مختلف تحقق یافته است، مضمون اصلی انقلاب علمی - فنی به گونه ایی مختلف تعبیر شده است. و این انقلاب با فرار سیدن عصر ام، عصر ماشین های شمارگر الکترونیک و اطلاعات، عصر شیمی، بیولوژی و بیوتکنولوژی، و دوران "الکترونیک" و "انضا"، یکی گرفته شده است. همه این

تعریف ها به درستی بر وجوه مهم انقلاب علمی - فنی اشاره می کنند. اما هر یک از آن ها محدود و یک جانبه است. در حالی که ویژگی تعیین کننده انقلاب علمی - فنی در فراگیر بودن آن است. انقلاب علمی - فنی کل شیوه تکنولوژیک تولید و تمامی وجوه و عناصر آن را دگرگون می کند و بر خود انسان به مثابه نیروی مولده اصلی جامعه نیز تاثیر شگرف می گذارد.

انقلاب علمی - فنی، انقلابی فراگیر است و تمامی عرصه ها و راستاهای فعالیت انسان را در بر

می گیرد. حالی ترین دست آورد انقلاب علمی - فنی در شکل تکنولوژی اطلاعات، به عرصه های رسوخ می کند که در آن انسان در طول قرون متمادی از کمترین وسایل تکنیکی برخوردار بوده و همدا با اتکا به شرم خود عمل می کرده است. بسیاری از روندها در هر عرصه بهداشت، فعالیت اداری، حتی در آموزش به طور واقعی صنعتی و حتی در بخش های اتوماتیک می شوند. خانه داری، کتاب داری و بسیاری از رشته های عرصه خدمات بر پایه تکنیکی نوینی استوار می شوند. شاخه های قدیمی و سنتی استخراج سوخت و مواد خام، فلزگدازی و نورد، و صنایع نساجی بر پایه اصول نوین علمی و تکنولوژیک دگرگون می شوند و به موازات آن شاخه های بون فول آسا و حتی عرصه های نوینی برای فعالیت پدید می آید. نظیر انرژی اتمی، رشته موشکی - فضایی، بیوتکنولوژی، و عرصه متنوع انفورماتیک.

ماشین سازی را روندهای کم عمل تغییر شکل فلز می گیرد. به مدد کاتالیزورهای جدید، مرحله ای بودن بسیاری از تولیدات شیمیایی به شدت کاهش می یابد. عملیات تبدیلی و حمل و نقل فرآوردها و فیهر، به خطوط انتقال گردان لحق می شوند. کم عمل بودن تکنولوژی های جدید، دوام و اعتبار روندهای تکنولوژیک را به طور جدی افزایش می دهد و تشدید قابل توجه این روندها را از طریق بالا بردن فشار، حرارت و قدرت انرژی با امکان پذیر می سازد. با دستگاه هایی با جگه کوچک و در محوطه های کوچک تولیدی، تولید فرآورده ها به طور بارز، افزایش می یابد. از سوی دیگر، بالا رفتن دوام و اعتبار، اتوماتیزه کردن روندهای تولید را مستعمل می کند. با رشد و گسترش میکروالکترونیک و تکنیک شمارگرهای اتوماتیزاسیون به یک پدیده فراگیر تبدیل می شود. در حال حاضر، بیش از نیمی از ماشین ها و تجهیزات در کشورهای پیشرفته جهان با کمک سیستم های مختلفی تولید می شوند که به طور خودکار اداره می شوند.

درهم آمیزی تکنولوژی های نوین صنعتی با میکروالکترونیک و تکنیک کامپیوتری، یکی از ویژگی های اصلی مرحله معاصر انقلاب علمی - فنی است.

به مدد هدایت الکترونیک، تکنولوژی های جدید منصف می شوند و سیستم های تولیدی منعطفی ایجاد می شود که تولید محصولی با پارامترهای مختلف را در یک حلقه تکنولوژیک از تجهیزات امکان پذیر می سازد. این امر شمرخصی محصولات را به شدت افزایش می دهد و موجب تنوع فراوان تولید شده، قابلیت دمسازی تولید با نیازهای مصرف کنندگان را بالای برد.

دیگر خصوصیت مهم تکنولوژی های معاصر را کم ضایعات و یا بی ضایعات بودن



آن ها تشکیل می دهد، و این نیز هم برای افزایش شربخششی تولید و هم برای حفاظت از محیط زیست، بسیار حائز اهمیت است.

در سیستم اتوماتیزه ماشین ها، به موازات سه عنصر کلاسیک (موتور، مکانیسم های انتقالی، و ماشین کار)، که نمود بر پایه تکنیک - اطلاعاتی به طور بنیادی دگرگون می شوند، عنصر چهارم، یعنی دستگاه هدایت کننده و کنترل کننده ای هم پدیدار می شود که انسان را از تماس بلاواسطه، آن هم دیگر نه تنها با ابزار کار، بلکه با خود ماشین کار نیز، معاف می نماید. این امر، یک جهش کیفی در رشد و تکامل تولید و ارتقا بهره دهی کار محسوب می شود. امروز عوامل تولید نه تنها از مرز امکانات جسمی، بلکه از محدوده امکانات فکری یک فرد هم بسیار فراتر می روند.

کامپیوتریزاسیون مفهوم وسیع تری نیز دارد. کامپیوتریزاسیون، عملکردهای اطلاعاتی را به گونه ای بنیادین دگرگون می کند و انفورماتیک را به منبع و عنصری جدید از روند تکنولوژیک و به یکی از مهمترین عوامل ارتقا بهره دهی کار تبدیل می کند. علاوه بر کامپیوتریزاسیون در هر صدهای فیرتولیدی وسیعا به کار گرفته می شود و در اداره روندهای اجتماعی، تغییرات رادیکالی وارد می نماید.

تأثیر تکنیک الکترونیک معاصر بر هر صدها داشت خصلت انقلابی دارد. کامپیوتریزاسیون به جزیی لاینفک از سیستم های آموزش معاصر تبدیل می شود. کل سیستم ارتباطات به برکت تکنولوژی نوین اطلاعات و از جمله به مدد استفاده از ماهواره ها و خبرگیری از طریق شبکه های اطلاعاتی، به گونه ای بنیادین بهبود می یابد. رشد و تکامل فعالیت انتشاراتی بر پایه الکترونیک، تلویزیون و تکنیک ضبط تلویزیونی، کل سیستم خبری را از ریشه دگرگون می کند. شاهه وسیع کامپیوترهای شخصی (در سال ۱۹۸۷ و تعداد ایالات متحده آمریکا، تعداد این کامپیوترها ۲۲ میلیون بوده است که بخش اعظم آن ها به مثابه کامپیوتر خانوادگی استفاده می شده است) محدودده کار خانگی را به شدت گسترش می دهد و شربخششی فعالیت انسان را در بسیاری جهات بیشتر می کند. گذار آتی به نسل پنجم ماشین های شمارگر الکترونیک، امکانات نوینی برای پیشرفت اجتماعی فراهم می آورد. نسل پنجم این ماشین ها از انبارهای اطلاعاتی و سیستم های کارشناسی برای گزینش بهترین راه حل ها در هر صدهای مختلف برخوردارند و در همین حال کار با آن ها نیز ساده است و به زبان معمولی صورت

می گیرد. تکنولوژی اطلاعات که میکروالکترونیک، ماشین های شمارگر الکترونیک، دستگاه سازی و رسانه های مدرن خبری را شامل می شود به هر صده عظیمی از اقتصاد معاصر تبدیل شده است. حجم تولیدات در این هر صده که تدوین برنامه رانیز در بر می گیرد، در کشورهای پیشرفته از حجم تولیدات مجتمع های نیرو - حرارتی فراتر رفته است. مقام و نقش بنیادی منابع انرژی در رشد و تکامل نیروهای مولده در مرز قرن های ۱۹ و ۲۰ را در ربع آخر قرن ۲۰ انفورماتیک احراز می کند.

به علاوه، هر صده انفورماتیک سالانه ۳ تا ۴ بار سریع تر از کل تولید اجتماعی رشد می کند و لذا سهم او به طور تصاعدی افزایش می یابد. بارزترین خصیصه انقلاب علمی - فنی معاصر نیز در همین است. رشد و تکامل آتی این انقلاب نیز بدون انفورماتیک قابل تصور نیست.

تحولات ریشه ای در خصلت موضوع کار قبل از هر چیز با دست آوردهای شیمی و فیزیک اجسام سخت و همچنین بیولوژی پیوند دارد. کمیت عظیمی از مواد مصنوعی و سنتتیک با متنوع ترین خواص ساخته می شود که از جمله آن می توان از مواد خالص و فوق خالص، نیمه هادی ها و ترکیبات آلیومینی نام برد. تولید مواد ترکیبی به شدت گسترش می یابد. بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک امکانات بی سابقه ای برای تأمین مواد خام کشاورزی و محصولات غذایی جامعه فراهم می آورد.

پیشرفت علمی - فنی استفاده از مواد سنتی رانیز در بر می گیرد: مختصات کیفی و کاربست تولیدی فلزات، سوخت و مواد معدنی، و مصالح ساختمانی نیز تکامل می یابند.

تحولات همیق در زیربنای انرژی تولید با دستیابی به انرژی اتمی توضیح داده می شود. انرژی اتمی ظرف یک ربع قرن موجودیت خود به چنان سطحی نایل آمده است که به خوبی با شیوه های کلاسیک دریافت نیرو رقابت می کند. در چشم انداز، بهره گیری از انرژی حاصله از سنتز هسته های عناصر سبک قادر است تا جامعه را برای همیشه از خطر تحلیل رفتن انرژی برهاند. همچنین پیش بینی می شود که از یک سلسله منابع انرژی فیرسنتی دیگر نیز استفاده شود.

راستای اصلی انقلاب علمی - فنی در هر صده تکنولوژی عبارت است از گذار از تبدیل مکانیکی مواد به استفاده از اشکال حرکت ماده در سطوح مولکولی، اتمی و زیر - اتمی که در اثر آن خود یافت شیمی تغییر می کند. صحبت بر سر تکنولوژی هایی است نظیر

تکنولوژی شیمیایی، لیزری، تبدیل مستقیم انرژی حرارتی به انرژی الکتریکی، بیوتکنولوژی، و مهندسی ژن ها.

با در نظر داشت دگرگونی انقلابی در عناصر مادی - شیمی نیروهای مولده در مجموع و گذار به شیوه تکنولوژیک نوین تولید، می توان در مفهوم وسیع تری نیز از تکنولوژی جدید سخن گفت. مطلب در آن است که دست آوردهای علمی - فنی تنها در صورتی نیروهای مولده را به طور کیفی دگرگون می سازند که در روندهای تکنولوژیک اصولا نوین مادیت یابند. اما این روندها نیز نمی توانند بدون تغییرات لازمه در وسایل و موضوع کار و در زیربنای انرژی تولید، پدیدار گردند.

ویژگی ماهوی انقلاب علمی - فنی در آن است که تغییر موقعیت انسان در سیستم تولید را به دنبال دارد و الزامات کیفیتا نوین و حالی تری را در برابر او قرار می دهد. کارکنان که در گذشته به طور بلاواسطه به روند تولید ملحق بودند و حتی غالباً هم حکم یک زائده ماشین را داشتند، از تولید منفک می شوند، در کنار آن قرار می گیرند و وظایف کنترل کننده و تنظیم کننده را انجام می دهند. اما اینان دیگر کارکنان تراز نوین اند - به لحاظ سطح تحصیلات، مهارت های حرفه ای، و به لحاظ رابطه با کار. این مسایل در فصل بعدی، یعنی در فصل چهارم، مشروح تر مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

انقلاب علمی - فنی با تغییر دادن عوامل مادی - شیمی و شخصی تولید، دگرگونی های رادیکالی را در سازمان کار و تولید موجب می شود. تقسیم کار در درون کارکنان هم تعقیق می یابد، سیستم های تولیدی منعطفی پدید می آیند که قادرند به سرعت تغییر جهت دهند، سازماندهی زنجیره ای تولید با بخش های مجزای فردی تکمیل می شود.

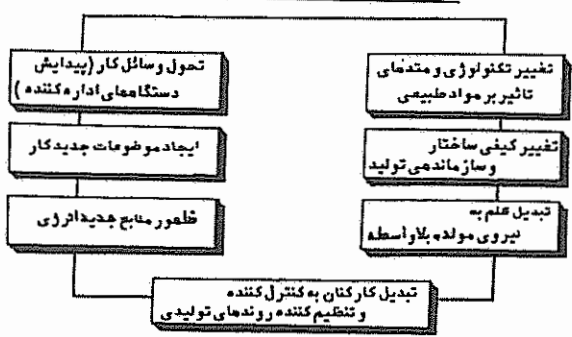
نقش جدید علم یکی از مشخصه های برجسته انقلاب علمی - فنی آن است که نقش علم در مقایسه با گذشته به طور ریشه ای تغییر می کند. تبدیل علم به نیروهای مولده بلاواسطه جامعه

فرجام می یابد. از این رو انقلاب علمی - فنی که ما از آن سخن می گوئیم، به طور چشم گیری از انقلاب صنعتی یا از آن چه که تحول صنعتی پایان قرن ۱۸ و آغاز قرن ۱۹ نامیده می شود، متمایز است. در آن زمان، تحولات تکنیکی تولید علمی القاده بر پایه داده های تجربی انجام می شد. و بهبوده نبود که بسیاری از کشفیات فنی و حتی علمی آن ایام توسط پراپتیسین های با استعداد صورت می گرفت. اما در شرایط معاصر، سه چشمه لایزال تحولات انقلابی در تولید را علم تشکیل می دهد و آن هم نه تنها علم تجربی، بلکه همچنین، علم شالوده ای، و نقش تعیین کننده نیز در تحلیل نهایی از آن علم شالوده ای است، چرا که همانا این علم است که تحولات رادیکال در سیستم داده های علمی را تأمین می کند و موجبات رسوخ انسان در اسرار طبیعت را فراهم می آورد.

علم، ضمن آن که در پیوند تنگاتنگ با تولید قرار دارد، در همین حال به مثابه هر صدهای گسترده و نسبتاً خود مختار از اقتصاد ملی، استقلال فراوانی در قبال تولید تقسیم می کند. این امر شاخص تقسیم بزرگ و نوین اجتماعی کار است.

کادرهای متخصص بسیاری در هر صده علم تربیت می شوند، تمجیز فنی علم به سرعت رشد می کند و از بنای دستی او در ماهیت امر مادی به تأمین صنعتی امروزین پژوهش های علمی گذار می نماید. این همه علم را با تولید نزدیک می کند اما به هیچ وجه ویژگی های آن را بر طرف نمی سازد. در حال حاضر در تمام دنیا، علم و خدمات علمی اقتصاد ملی به لحاظ بافت خود ویژه سازمانی شان متمایز هستند. برخلاف صنایع، علم مجموعه ای از موسسات و سازمان های کما بیش هم تراز بوده، بلکه سیستمی است از انستیتوهای علمی آکادمیک و آموزشی به لحاظ ساختار و وظایف خود نامگون - ، سازمان های طراحی و تدوین، مراکز متنوع علمی - فنی و مهندسی میان رشته ای، شرکت های اشاهه دهنده، واحدها و گروه های موقت، موسسات مجرب و فیره .

تغییرات در شیوه تکنولوژیک تولید در شرایط انقلاب علمی - فنی



“ چرا کمونیست هستیم ”

کشورها، در احزاب به همراه آورد. اکنون بی‌معناست جنبش بین‌المللی کمونیستی را بعنوان یک واحد تشریحی در مارش نظامی نمایش بدهیم. اما البته ما را اشتراک معینی در اندیشه‌ها و اصول پیوند می‌دهد. این‌ها عبارتند از اقدام در جهت عدالت اجتماعی، نظریه ماتریالیستی فرایند تاریخی، و انسان‌گرایی که بدون آن به نظر من هیچ‌گونه جنبش کمونیستی وجود ندارد. همانطور در جاهایی که آرمان‌های کمونیستی تابع اهداف خود قرار می‌شدند و یا به مقدمات ایدئولوژیک بدل می‌گردند نیز چنین جنبشی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که مارکسیسم اعتبار روشنفکرانه خود را از دست داده است؟ آیا برای شما در مارکسیسم چیز مقدسی وجود ندارد اگر وجود دارد چه چیزی؟

پاسخ: به نظر من مارکسیسم اعتبار روشنفکرانه خود را از دست نداده است. البته دگماتیسم به مارکسیسم در انتظار روشنفکران زیان بسیار وارد کرده است. ناهنجاری‌هایی نیز که به هنگام ساختمان سوسیالیسم رخ داد برای اعتبار مارکسیسم زیانمند بود. اما من بعنوان یک مارکسیست اطمینان دارم که اندیشه‌ها و نیروهای آفریننده قدرتمندی در خود نهان دارد. نقطه‌ناید این آموزش را دگماتیک درک کرد بلکه باید آن را به طریق مارکسیستی به کار برد، یعنی واقعیت‌های زندگی را به حساب آورد و طرح‌ها و نظرات را، به هنگامی که دیگر با شرایط متغیر ناهمخوانند، نوسازی کرد. در مارکسیسم دگم‌های غیرقابل نفی و حقایق مطلق وجود ندارد. مارکسیسم همیقا دیالکتیکی است، باید، برای آن که مارکسیسم باقی بماند، دائما تکامل یابد. اگر چیزی برای من مقدس باشد، درست همین خصیصه است.

پرسش: آیا هرگز از کمونیست بودن شرم‌گین شده‌اید؟ به چه علت برای تعلق خود به یک حزب کمونیست احساس فرور می‌کنید، این تعلق چه چیزی برای شما به ارمغان می‌آورد؟

پاسخ: همانطور که ذکر شد، تاریخ حزب و کشور ما بفرنج و از جنبه‌هایی هم‌انگیز بود. در این تاریخ صفحاتی وجود دارند که باید به خاطر آن‌ها شرم کرد، زیرا نسل من نیز در قبال این صفحات مسئولند. برای من شرم‌آور است که هنوز هم در اتحادشوروی کمبودهای زیادی وجود دارد و هنوز همه حقوقی که مردم یک کشور سوسیالیستی باید از آن برخوردار باشند واقعا درک نشده و در پراتیک روزمره متحقق نشده باشند. اما این عواطف بطور جدایی‌ناپذیر با عواطف دیگری پیوند خورده‌اند. من به حزب و کشور خود، که دستاوردهای آن جهان را دگرگون کرد، افتخار می‌کنم. به عقیده من ناشایست و شرم‌آور است که فقط اظهار شیمانی کنیم. گریه و زاری سودی در بر نخواهد داشت. اکنون شرایطیک دگرگون‌سازی انقلابی جامعه ایجاد شده است. برای من بعنوان یک عضو حزب کمونیست‌های شوروی، مهم‌ترین نکته عبارت است از مشارکت کاملا فعال در روند دگرگون‌سازی.

در چند شماره گذشته اقدام به چاپ مصاحبه‌هایی کردیم که مجله صلح و سوسیالیسم با تعدادی از کمونیست‌های جهان انجام داده بود. در این مصاحبه‌ها همین سئوالاتی مطرح شد که روزنامه نیویورک تایمز به وسیله ۲۶ خبرنگار در ۲۳ کشور جهان از ۵۰ کمونیست پرسیده بود. در این شماره به درج مصاحبه مجله و سوسیالیسم با فردریک فیروزف دکتر علوم تاریخ، عضو مؤسسه مارکسیسم - لنینیسم جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌پردازیم. این مصاحبه در شماره ۵ ماهه ۱۹۸۹ این نشریه به چاپ رسیده است.

پرسش: به نظر نشریه نیویورک تایمز روند اصلاحات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی امیدهایی را برمی‌انگیزد. اما در همین حال نگرانی‌هایی را نیز پدید می‌آورد. زیرا کمونیست‌ها باید اکنون اعتراف کنند که آن قربانی‌های بزرگ و مبارزات و محرومیت‌های پررنج در بخش اعظم خود بیهوده بوده است. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

پاسخ: ابتدا مایلیم به ناصحیح بودن آشکار برخی از اظهارات "نیویورک تایمز" اشاره کنم. آیا اصلاحات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی امیدهایی برمی‌انگیزد؟ مسلما. بالاتر از آن، به عقیده من دگرگون‌سازی امروز مضمون سوسیالیسم را معین می‌سازد. مسلما در تاریخ ما قربانی‌ها و تراژدی‌های وحشتناکی وجود داشته است اما اینکه ما بالاخره شجاعت نشان دادیم که به آن اعتراف کنیم ما را متقاعد می‌کند که چنین حوادثی دیگر هرگز تکرار نخواهد شد. این ادعا نیز که اعتقاد میلیون‌ها انسان بیهوده بوده است، بر این فیر قابل پذیرش است. قبل از هر چیز باید بگوییم که تصورات ما از سوسیالیسم نه اعتقاد بلکه باورهای ما هستند که بر خوردی هلمی - هر چند نه همواره پیگیر به واقعیت مبتنی است. این امر ابد و وجود تردید، اعتراض و ناراضی را تحت شرایطی معین منتفی نمی‌کند. ما احساس تلخکامی می‌کنیم و به این پی‌می‌بریم که میان اهداف و وسایل نباید تضاد باشد. اما مسئله بر سر اعتقاد نیست بلکه این است که راه تاریخی ما خود را از آنچه قبلا تصور می‌شد دشوارتر و سنگین‌تر نشان داده است.

پرسش: آیا هدم انعطاف، کیش شخصیت و سایر اشتباهاتی که در تاریخ کمونیسم وجود داشته است نتایج فیر قابل اجتناب ایدئولوژی است یا انحراف از آن؟

پاسخ: هیچ انقلابی، بدون توجه به خصلت اجتماعی آن، یک نمونه ایده‌آل و بدون هیب و نقص برای دگرگون‌سازی جامعه هر ضه نمی‌کند. هیچ انقلابی تاکنون بدون تعهد نیامده است. خود این امر به آن یک خصلت دراماتیک عطا می‌کند. مسئله این است که اهداف این انقلاب‌ها به چه قیمت و با چه وسایلی بدست می‌آیند. اما این به شرایط مشخص بستگی دارد. تجربیات تلخ استالینیسم بیان یک قانونندی همومی نیست که ضرورت تاریخی - طبیعی پیدایش نظام نوین اجتماعی را از بین ببرد. استالینیسم یک بیماری به شمار می‌رود که محصول شرایط جامعه ما بود. هر چند که سایر کشورها نیز و ادار به پیشبرد راه‌های مشابهی شدند. من اطمینان دارم که کمونیست‌ها بر این درس‌ها، هم‌انگیز تاریخ تامل خواهند کرد و منطبق بر آن عمل خواهند نمود.

پرسش: آیا با این ادعا موافقت می‌کنید که کمونیست‌ها امروز دیگر از یک سیستم واحد باورها و تصورات مشترک درباره آینده برخوردار نیستند؟

پاسخ: البته این یک اتوپی است اگر تصور شود کمونیست‌های کشورهای مختلف باورها و تصورات یکسانی از آینده دارند. هنگامی که جنبش‌ها پدید آمد و بسیاری از متعلقین آن عقیده داشتند کمونیسم اگر نه فردا، حتما پس فردا در همه جهان پیروز خواهد شد، آن‌ها را یک وحدت ایدئولوژیک به سان یک تن واحد پیوند می‌داد. تکامل بعدی، بفرنجی روزافزون منطبق بر تاریخ، سنت‌ها و ویژگی‌های ملی هر یک از

پرسش: به نظر نشریه نیویورک تایمز روند اصلاحات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی امیدهایی را برمی‌انگیزد. اما در همین حال نگرانی‌هایی را نیز پدید می‌آورد. زیرا کمونیست‌ها باید اکنون اعتراف کنند که آن قربانی‌های بزرگ و مبارزات و محرومیت‌های پررنج در بخش اعظم خود بیهوده بوده است. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

پاسخ: ابتدا مایلیم به ناصحیح بودن آشکار برخی از اظهارات "نیویورک تایمز" اشاره کنم. آیا اصلاحات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی امیدهایی برمی‌انگیزد؟ مسلما. بالاتر از آن، به عقیده من دگرگون‌سازی امروز مضمون سوسیالیسم را معین می‌سازد. مسلما در تاریخ ما قربانی‌ها و تراژدی‌های وحشتناکی وجود داشته است اما اینکه ما بالاخره شجاعت نشان دادیم که به آن اعتراف کنیم ما را متقاعد می‌کند که چنین حوادثی دیگر هرگز تکرار نخواهد شد. این ادعا نیز که اعتقاد میلیون‌ها انسان بیهوده بوده است، بر این فیر قابل پذیرش است. قبل از هر چیز باید بگوییم که تصورات ما از سوسیالیسم نه اعتقاد بلکه باورهای ما هستند که بر خوردی هلمی - هر چند نه همواره پیگیر به واقعیت مبتنی است. این امر ابد و وجود تردید، اعتراض و ناراضی را تحت شرایطی معین منتفی نمی‌کند. ما احساس تلخکامی می‌کنیم و به این پی‌می‌بریم که میان اهداف و وسایل نباید تضاد باشد. اما مسئله بر سر اعتقاد نیست بلکه این است که راه تاریخی ما خود را از آنچه قبلا تصور می‌شد دشوارتر و سنگین‌تر نشان داده است.

پرسش: چه چیزی از رنج ادوار گذشته و آرمان‌گرایی کمونیست‌ها، از آگاهی به رسالت تاریخی و پیشاهنگ پر شوروی که توده‌ها را به یک اتوپی رهنمون می‌شود باقی مانده است؟

پاسخ: تلاش‌هایی که به منظور نسبت دادن یک نقش پیامبرگونه به مارکسیست‌ها می‌شود از جابجای برانگیز است. این نادرست است که کمونیست‌ها را بعنوان نماینده یک گروه برگزیدگان در نظر گیریم یا فکر کنیم آن‌ها باید توده‌ها را فرماندهی کنند. آفرینش نظام نوین اجتماعی کار توده‌هاست. حزب کمونیست این جنبش را فقط سازماندهی می‌کند. اما حزب انگشت

پلنوم کمیته مرکزی حزب ...

بقیه از صفحه آخر

مسائل گر می تکامل مادر جریان است " وی در این باره گفت یک نظر بر این باور است که حزب به نیرویی محاذله کار بدل شده که مانع اصلاحات است. نظری دیگر چنین استدلال می کند که حزب از مواضع خود صرف نظر می کند پاکیزگی ایدئولوژیک خود را از مضمون تهمی می سازد. "کنگره باید برای تجدیدسازمان حزب و وحدت ایدئولوژیک آن بر پایه پرسترویکا اقدام کند"

گارباجف محمترین وظیفه حزب را بهبود سطح زندگی مردم دانست. بسیاری از رهبران حزب بر این عقیده اند که تصمیمات شورای عالی جهت افزایش ارائه کالاهای معیشتی و مصرفی به کنده و بدون قاطعیت کافی اجرا می شود. "ما اکنون باید بدون معطلی عمل کنیم و قاطعانه در جهت برطرف کردن کمبودها و نظم دادن به تجارت اقدام نماییم." وی تغییرات حاصل از روند دگرگونسازی را بی نظیر وصف کرد اما افزود که واکنش افکار همومی گاهی همچنان زده و دچار افتشاش بوده است.

گارباجف افزود در سال ۱۹۹۰ یک پلاتنرم سیاسی نوین برای حزب تدوین خواهد شد بر پایه آن، به سازمان های حزبی و جمهوری های شوروی اختیارات بیشتری داده خواهد شد. دستور

کار محوری پلنوم کمیته مرکزی را مسئله حاد شده ملی، بویژه در جمهوری های بالتیک، آذربایجان و ارمنستان تشکیل می داد. گارباجف در روز دوم نشست کمیته مرکزی منکر آن نشد که هر یک از جمهوری های شوروی بر مبنای قانون از حق جدایی از اتحاد جماهیر شوروی برخوردار است. اما تلاش هایی که حق تعیین سرنوشت را تا حد جدایی تنزل می دهند و وجود حق تعیین سرنوشت را در اتحاد شوروی انکار می کنند محکوم کرد. "در شرایط کنونی، تعیین سرنوشت بهترین بیان خود را در خودگردانی می یابد، که حفظ ویژگی های ملی را تضمین کند ... و وحدت دواطلبانه جمهوری ها و ملیت ها برای حل وظایف مشترک شان را پیش شرط قرار دهد." به گفته گارباجف استقلال جمهوری ها باید مضمون واقعی به خود گیرد و اقتدار آن ها همه امور را، به استثنا آن هایی که دواطلبانه به اتحاد شوروی واگذار می شوند، در برگیرد. در همین حال باید تأثیر این جمهوری ها بر امور کل کشور، و از جمله سیاست کادرها، افزایش یابد. وی در همین حال بر ضرورت اجرای قانونی اشاره کرد که منوهیت سازمان های ناسیونالیست افراطی، شوونیستی و سایر جریان های افراطی را پیش بینی می کند. او افزود که نمی خواهد نقطه هزیمت خود را حل همه

مشکلات با وسایل سیاسی قرار دهد اما باید همه نیروی قوانین شوروی، در مواردی که شدت اوضاع ایجاب می کند و زندگی مردم مورد تهدید قرار می گیرد، به کار برده شود. گارباجف در ارتباط با منازعات میان ارمنی ها و آذربایجانی ها پیرامون منطقه خودمختار ناگورنی کاراباخ (قر باغ کوهستانی) در جمهوری آذربایجان گفت همه تدابیری که در ماورا قفقاز به کار برده شده، از جمله تدابیری که در اول سال جاری در مورد منطقه قرباغ اتخاذ گردید، ناموفق بوده است. او با توجه به امواج هزاران آواره ارمنی و آذربایجانی، مسدود کردن آمد و شد افراد و کالاهای مصرفی، اختصابت پی در پی و درگیری های خونین گفت: "مادر برابر این ضرورت ایستاده ایم که قاطعانه اقدام کنیم و نمی توانیم به هرچ و مرج و خون ریزی میدان دهیم." گارباجف در رابطه با تلاش در جهت خودمختاری اقتصادی در جمهوری های شوروی، بویژه در بالتیک، اظهار کرد یک هدم تمرکز گسترده در اقتصاد ضرورت حیاتی دارد اما خطرناک خواهد بود اگر جمهوری های ثروتمند بخواهند بین خود و سایر جمهوری ها دیوار بکشند. استقلال اقتصادی باید در پیوند با استقلال مؤسسات در نظر گرفته شود و در چهارچوب بازار مشترک مجوهه اتحاد شوروی مدنظر قرار گیرد. رهبر حزب

کمونست اتحاد شوروی در مورد مسائل مربوط به زبان پیشنهاد کرد زبان روسی نقش زبان همومی را در داخل اتحاد شوروی ایفا کند و هر یک از ملیت ها و جمهوری ها این حق را داشته باشد که زبان خود را به زبان رسمی جمهوری خویش مبدل نماید و به این وسیله این زبان را حفظ و گسترش دهد. اما در همین حال خلق های اتحاد شوروی هلاقه دارند زبان روسی را بعنوان وسیله ارتباطات میان ملل مورد استفاده قرار دهند. گارباجف مصممانه با فدرالیسم در داخل حزب مقابله کرد اما بر ضرورت گسترش استقلال سازمان های حزبی جمهوری ها تأکید نمود. وی در این مورد گفت "باید استقلال واقعی سازمان های حزبی در داخل حزب کمونست اتحاد شوروی تأمین شود اما وحدت عمل این سازمان ها حفظ گردد."

پلنوم در پایان کار خود، تغییراتی در ترکیب هیات سیاسی ایجاد کرد به این ترتیب ولادیمیر شجر بیتسکی، ویکتور نیکونوف و ویکتور چبریکوف از هیات سیاسی کنار گذاشته شدند و به جای آن ها ولادیمیر کریوکوف و یوری هازلیوکوف به هیات سیاسی راه یافتند. لازم به یادآوریست که ولادیمیر شجر بیتسکی به همراه گارباجف آخرین بازمانده هیئت سیاسی از دوران برژنف بوده اند.

آرزوی یک مادر ...

بقیه از صفحه آخر

دارد. در هفته گذشته ده ها نفر توسط ارتش اشغالگر اسرائیل به قتل رسیده و یا مجروح شده اند. تحقیر و توهین به مردم فلسطین در ابعاد فزاینده ای ادامه یافته است. کانون های اصلی تظاهرات مردم و منازعات هفته گذشته اردوگاه های شتی و خان یونس و شهر فزه بوده اند. در این مناطق سربازان با تیراندازی به سوی مردمی که فقط با سنگ مسلح بودند حمام خون به راه انداختند.

بنا به گزارش مطبوعات فشار بر مردم افزایش یافته است. در روزهای شبیه نیروهای اسرائیلی محله های معینی را در این منطقه محاصره کرده و ساعت ۴ صبح همه مردان ۱۶ الی ۶۰ ساله را از تخت خواب های خود بیرون کشیده و آن ها را به محل سازمان امنیت

برده و تحت فشار گذارده اند. درصد بزرگی از مردان هم اکنون در اردوگاه "انصار ۳" در زندان به سر می برند.

مادران بسیاری در قم از دست دادن فرزندان خود به هزا نشسته اند. اما آنان به خاطر اینکه فرزندان شان برای فلسطین و آینده بهتر جان فدا کرده اند افتخار می کنند. در مناطق اشغالی از هنگام آغاز قیام پدیده نوینی در مقیاس گسترده به ظهور رسیده است: فرور و قهرمانی.

خانم یوسرا بربره، رهبر اتحادیه زنان فلسطین در نوار فزه می گوید: آرزو می کردم که من هم جوان تر بودم تا در خیابان به سوی اشغالگران اسرائیلی سنگ پرتاب کنم.

ترس از زندان، مجروح شدن و مرگ در میان مردم رنگ باخته است. در ۲۰ ماهی که از قیام سپری شده دست آوردهای مردم از مجموعه ۲۰ سال گذشته بیشتر

بوده است. تقریباً همه کالاهای مورد نیاز روزانه در مناطق اشغالی به وسیله مردم تولید می شود. محصولات لبنی اسرائیلی به وسیله محصولات بومی جایگزین می گردند. کارخانه تولید لباس که قبلاً عمدتاً برای اسرائیل تولید می کرد، اکنون پوشاک مردم این مناطق را تأمین می کند.

از سه ماه پیش تا کنون برای فلسطینیان از ساعت ۸ شب الی ۴ صبح حکومت نظامی اعلام شده است. روند ۲۰ ماهه گذشته نشان داده است. که هلیرقم خشن ترین اشکال سرکوب و نقض حقوق مردم توسط ارتش اشغالگر اسرائیل، قافله قیام مردم همچنان پیش می تازد. پایمردی و استقامت مردم این مناطق حتی به دولت ایالات متحده امریکا و حزب کارگر اسرائیل که جناحی از حاکمیت این کشور را تشکیل می دهد، نشان داد که با معیارهای

گذشته وضعیت قابل دوام نیست. بحران حکومتی در اسرائیل تشدید شده است. اسحق شامیر، نخست وزیر اسرائیل، که وابسته به جناح راست افراطی حزب لیگوداست، حزب کارگر را به برهم زدن ائتلاف حکومتی تهدید کرده است. اختلاف این دو جناح بیش از همه پیرامون مشارکت فلسطینی های در تبعید، که به سازمان آزادیبخش فلسطین گرایش دارند، در مذاکرات و طرح حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، برای انتخابات در مناطق اشغالی می باشد. در این طرح از دولت اسرائیل خواسته می شود که مصوبات ۲۴۴ و ۳۳۸ سازمان ملل متحد را به رسمیت شناسد، حقوق سیاسی مردم فلسطین را مراعات نماید، بر انتخاباتی که در مناطق اشغالی تحت نظر ناظرین بین المللی برگزار می شود صحنه گذار دو پذیرش نتایج این انتخابات را تضمین کند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

صرف نظر کردن از مواضع ایدئولوژیک و سیاسی حزب و انکار نقش سیاسی آن نیست. "حزب" کاملاً مصمم است راه انقلابی پرسترویکا و دمکراتیزه کردن جامعه را ادامه دهد. وی در سخنرانی خود که مستقیماً از رادیو مسکو پخش می‌شد در مورد تغییراتی که باید در کمیته مرکزی انجام شود گفت ما باید مبتکرترین و خلاق‌ترین افراد را که نسبت به پرسترویکا متعهد هستند جذب کنیم.

دگرگون‌سازی آن چنان به سرعت پیش می‌رود که ما به دنبال آن لنگانیم. برخی از مصوبات آخرین کنگره حزب در ماه مارس ۱۹۸۶ و کنفرانس حزبی تابستان ۱۹۸۸ اکنون از روند تحولات عقب مانده‌اند. "یک مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی پیرامون بقیه در صفحه ۱۱"

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در روز سه‌شنبه هفته گذشته برگزار شد. میخائیل گارباچف در این پلنوم طی سخنانی بر ضرورت اصلاح حزب، در تمام تاروپود خود، تاکید کرد او گفت کنگره حزب که قرار بود بهار سال ۱۹۹۱ برگزار شود در ماه اکتبر ۱۹۹۰ برگزار خواهد شد. به گفته او تدارکات کنگره باید در خدمت نوسازی کمیته‌های حزبی در همه سطوح درآیند.

گارباچف موکداً بر نقش رهبری حزب، که باید همیقا نوسازی شود، انگشت گذاشت. "برخی‌ها نقش فعال حزب را در تحولات انقلابی سال‌های گذشته نادیده می‌گیرند و تلاش می‌کنند حزب کمونیست اتحاد شوروی را یک حزب محافظه‌کار توصیف کنند." وی گفت انتقاد از خود ما ابداً نشانه

آرزوی يك مادر فلسطینی

کاش قادر بودم به سوی سر بازان اسرائیلی سنگ پرتاب کنم.

فلسطین در راه احقاق حقوق ملی و دمکراتیک خود همچنان تداوم بقیه در صفحه ۱۱

در مناطق تحت اشغال اسرائیل بویژه در نوار فزه مقاومت مردم



جشنواره صلح در ژاپن

انقلاب نیکاراگوئه، دفاع از مبارزات جوانان کره و ژاپن و عرصه مبارزه علیه سرمایه‌داران انحصاری ژاپن را شامل می‌شد. در این جشنواره گزارش شد که جنبش فستیوال صلح هر ساله با سازماندهی وسیع‌تر جوانان و دانشجویان در ژاپن بیشتر رشد می‌کند.

در طول جشنواره توسط فدائیان شرکت کننده یک سمپوزیوم درباره مسائل ایران برگزار شد. در این سمپوزیوم جمع‌کنیری از نمایندگان و ژاپنی‌های شرکت کننده در فستیوال حضور یافتند. فدائیان خلق - ژاپن در این سمپوزیوم توضیحات کاملی در مورد وضعیت سیاسی ایران، سیاست‌های رژیم بقیه در صفحه ۷

سی‌امین فستیوال صلح ژاپن در کوه‌های سرسبز کوه فوجی برگزار شد. این جشنواره که از سال ۱۹۵۵ برگزار می‌شود، امسال تحت شعار "برای همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی" سنت دیرین خود در مبارزه برای صلح و دوستی را تداوم داد. در این جشنواره نمایندگان از کشورهای کوبا، اتحاد شوروی، فیلیپین، جمهوری دمکراتیک آلمان، کره و همچنین نماینده‌ای از کنگره ملی آفریقا و فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ژاپن حضور داشتند. در برنامه‌های مختلف این جشنواره گزارش‌هایی از فعالیت‌های انجام یافته توسط مسئولین آن ارائه شد که عرصه‌های همبستگی بین‌المللی و اقدامات مشخص در حمایت از

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارک	۱۱ مارک	نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> یک ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارک	۲۷ مارک	نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> یک ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO 276
MONDAY, 25 SEP 89

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید